

آزادی، مقدم بر هر مشرب
سیاسی است. تا آزادی عقیده
محترم نباشد هیچ مشرب
سیاسی ایمنی ابراز پیدا نمیکند
زادیهای سیاسی و اساسی از حق
دستی فرد در جامعه جدایی پذیر نیست

شنبه
۱۳
مرهه ۱۳۵۸
۷ رجب ۱۳۹۹
۳ ژوئن ۱۹۷۹

پیغام امروز

شماره ۷۲ دوره جدید سال پنجم شماره ۱۵ روال

خلیج فارس یعنی طرد امپریالیسم

حالا که جدال بر سر نام خلیج فارس بالا گرفته است، و مردم ایران میدانند که دولت موقت انقلاب هم به فارس بودن نام خلیج که سراسر کرانه های جنوبی کشور را می پوشاند نظر دارد، و از این نام دفاع می کند، لازم است به اصلی موضوع یا اصالت نام خلیج فارس نیز توجه کنیم.

رژیم سرنگون شده گوش به فرمان امپریالیسم، بنا بر ماهیت خود پلنگانه داشتن خلیج فارس را، از رخه گری امپریالیسم، به حساب می آورد. و با خود را با این حضور و فشار روزافزون و بیمن و مهاجم آشنا کند. شاید یک دلیل اقتصادی رژیم سرنگون شده، در دفاع از نام خلیج فارس آن بود، که توجه مردم ایران را از استیلای مطلق امپریالیسم بر این راه آبی بن بست، منحرف سازد.

به این دلیل بود که مردم ایران، هرگز جایی ندیدند که رژیم سرنگون شده، در اوج قدرت خویش، از پایگاه دریایی آمریکا در بحرین، یا پایگاه هوایی «دهران» و در یکی دو سال اخیر، از تبدیل فرودگاه انگلیسی ابوظبی، به پایگاه هوایی آمریکا، نام برد و به این حضورها معترض باشد. همانطور که هرگز ندیدند، درباره نوع روابط و پیوستگی های خودش با آمریکا، در آیه های خلیج فارس و در احداث پایگاه های دریایی، توضیحی به مردم بدهد.

خلیج فارس و دریای عمان، یک سرپناه امن فعالیت های امپریالیستی، و میدان مانورها و نمایش های نظامی آمریکا و پاران و مزدوران آن بود. و سالی چندبار، برنامه مانور های گوناگون نظامی مستند، در ادامه کوششهای «ناتو» در این آبگیرهای به اصطلاح مستقل انجام می شد.

پس از آنکه مردم ایران، با قدرت نمایی، توانستند، نظام عروسکی دست نشانده امپریالیسم را در ایران، به زانو در آورند، آمریکا، که از این نظام عروسکی، قداره بندی در منطقه درست کرده بود، که به حساب مردم ایران، به واشنگتن و لندن خدمت می کرد، بسیار زود خطر را تشخیص داد و به اعزام تیروی دریایی سیار، در ناحیه اقدام ورزید، و از آن پس، به موازات سقوط عروسک کوکوش در ایران، به تکیه بر «ناوگان پنجم» آمریکا رو آورد، و نیز «دوبی» را به احداث بندر نظامی عظیم واداشت که هیچ نسبتی با نیازهای مجموع امارات عرب نشین جنوب خلیج فارس ندارد. و فقط

بقیه در صفحه ۱۴

آیت الله شریعتمداری از چهارشنبه برای اقامه نماز به مسجد نرفتند

گفته شد آیت الله گلپایگانی نیز قصد دارند از اقامه نماز در مسجد خودداری کنند

تحقیقات خبرنگاران مادر باره خودداری آیت الله شریعتمداری از برگزاری نماز جماعت نشان می دهد حضرت آیت الله از روز چهارشنبه برای ادای نماز به مسجد نرفتند و بنابراین خبر روز پنجشنبه ما در این زمینه درست بوده است.

دیروز سخنگوی دفتر آیت الله شریعتمداری در تماس تلفنی با خبرنگاری رویت گفت: حضرت آیت الله شریعتمداری از حادثه روز چهارشنبه که عده ای به معظمله

اسائه ادب نمودند، سخت آزرده اند و به همین جهت تصمیم گرفتند برای جلوگیری از هرگونه حادثه سوء و برخورد بین گروه های مختلف تا اطلاع ثانوی از حضور در مسجد خودداری فرمایند.

از سوی دیگر، دیشب اطلاع یافتیم حضرت آیت الله گلپایگانی نیز به عنوان اعتراض به اسائه ادب بحضور آیت الله شریعتمداری از اقامه نماز جماعت در مسجد خودداری خواهند کرد.

هر مراسم بزرگداشت فهدای راه آزادی

دکتر شایگان: راه شهیدان را باید دنبال کرد

در بسیاری موارد به آزاد بخوانان فشار آمده است، بعضی ها مورد اهانت قرار گرفته اند و حتی در مواردی به بزرگترین افتخار مبارزات دمکراتیک گذشته ایران، دکتر مصدق اهانت شده است

مصر روز جمعه، بدعت خانواه فهدان در راهگان، حسن رومینا، لادر عطائی و متوجه چهر حامدی مراسم در دانشگاه صنعتی برگزار شد و طی آن ضمن تجلیل از شهیدان، مسائل جنبش نیز مطرح گردید. بمذازیک دقیقه سکوت، پدر شهید حسن رومینا در سخنرانی خود همبستگی تمام مبارزان راه آزادی را در جهان یادآور شد.

سپس خواهر شهید نادر عطائی و بعد مادر حماد شیبانی سخنرانی کردند مادر حماد شیبانی برای آزادی فرزانش که عضو برجسته سازمان

بقیه در صفحه ۲

هزاران متحصن مسجد خر مشهر در شرایط نامساعد قرار دارند

بدستور دادستان انقلاب پیش از ۷ نفر در خر مشهر بازداشت شدند

خرمشهر دیروز نسبتا آرام اما تعطیل بود. مدرسه ها، اداره ها، بازار و مغازه ها بسته است و زندگی در شهر جنگ زده خرمشهر جریان عادی بازیافته است.

گروهی حدود ۵ هزار نفر که از روز جمعه تا گزیر در مسجد امام صادق متحصن شدند، پس از صدور قلمنامه دوازده ماده ای، هنوز در تحصن اند. گزارش ها

حاکمیت، تحصن کنندگان به خاطر هوای گرم خرمشهر و عدم امکانات در وضع نامساعدی بسر می برند.

در این میان گروهی نیز که از جزیره «مینو» با پرچم سیاه روز گذشته بسوی خرمشهر به راه افتادند، سینه زنان وارد مسجد امام صادق شدند و به جمعیت متحصن پیوستند.

حجت الاسلام شیخ عیسی آل شیبیر خاقانی برای جمعیت سخن گفت و ضمن سخنرانی به اخبار رادیو پشت حمل کرد و خیرها را موجب تشنج بیشتر در منطقه

بقیه در صفحه ۱۴

ارتش نباید بامردم رودر روشود

تصور فردا بهم است - کمی نمی تواند چیزی را پیش بینی کند.

تیمسار سز لشکر فرزند رئیس ستاد ارتش روز گذشته در جمع پرسنل ارتش در یادگان لویزان سخنرانی کرد.

او ضمن اشاره به پاره ای مسائل ارتش گفت: ما الان باید افتخار بکنیم که اجازه ندادیم ارتش در گنبد وسایر جاها در مقابل مردم بایستد.

بقیه در صفحه ۱۴

جنرال موتورز از نو در ایران بکار پرداخت

نموزوهک - دولت ایران ۵۵ درصد سهام شعبه شرکت جنرال موتورز آمریکا را، که قبلا متعلق به بخش خصوصی بود، در اختیار گرفت. رژیم جدید ایران بر اساس مقرراتی که اجازه میدهد اموال سرمایه داران ایرانی را که بخارج از کشور گریخته اند، دست باین اقدام زد. ۴۵ درصد سهام شرکت مربوطه قبلا به جعفر اخوان و ۱۰ درصد دیگر به بنیاد پهلوی سابق تعلق داشت.

از جانب دیگر گزارشهای رسیده حاکیست که رژیم جدید به شرکت جنرال موتورز اجازه داده است ۴۵ درصد سهم این

بقیه در صفحه ۲

نقش رادیو - تلویزیون آیا تلویزیون دشمن دولت انقلاب است؟

شاید هنگامی که دهروز آیه الله آل شیبیر خاقانی، از خبرنگار فرانس پرس، می پرسید «چرا باید رادیو تلویزیون اینگونه برای جدا کردن برادران عرب از فارس پیشقدم شود و عملا ایرانیان عرب را از بیکره ایران تجزیه کند.» هنوز هوا بهما به پرواز در نهامند، بوفند، یا در تدارک پرواز برای ویران کردن و سوزاندن پنج روستای مرزی خرمشهر بودند، و شاید پرواز کرده بودند، و ساکنان روستاهایی که زهر آتش و دود همباران دسه وها می زهاند و صدها نشان را جز خودشان نمی شنید، همین سؤال رهبر روحانی شان را داشتند. اما خبرنگاری آنجا نبود تابش و نقل کند.

رهبر روحانی مردم خرمشهر و اهوازی می گوید: باید مردم بدانند تجزیه طلب کست، و ما نیز این باید را برای دولت موقت انقلاب طرح می کنیم.

آقای نخست وزیر، آنچه به نام رادیو و تلویزیون، از دست شما بیرون برده اند، یک غنیمت لوکس و باه اهل تفنن است، یک ابزار سرگرمی بشمار نمی آید، و سهله ارتباطی پر قدرتی است که می تواند بسیار خطرناکتر از انفجار هسته ای، در جامه اثر بگذارد، و می تواند مشکل گشای بزرگ مسائل و امور جاری دولت موقت انقلاب باشد.

این وسیله را شما، رها کرده اید تا یک اندیشه بیمارگونه بر آن استیلا یابد. و از آن همچون حربیه ای، کند و بی مصرف در تبلیغات دوران انقلاب، و همچون خمپاره اندازی، در ایجاد مسأله ملی، و تدارک انفجار منطقه ای و محلی استفاده کند.

بقیه در صفحه ۱۱

نکته و نگاه:

برای شما خواننده ایم از یک روزنامه که آنجا هم مطلب را از به بحر الفوائد نقل کرده اند: مجاهد - بدان که نمازی و مجاهد کسی بود که (ده) شرط بجای آرد:

اول- جزیرضای مادر و پدر فرود، اگر مادر و پدر دارد.

دوم- امانت خدای از نماز و روزه بجای آرد.

سوم- زن و عیال را نفقه دهد.

چهارم- باید که نفقه وی درغزا از کسب حلال بود.

پنجم- امور و والی و فرمان برداری باشد.

ششم- حق رفیق و هم صحبت نگاه دارد.

هفتم- در راه، کسی را فرجاند.

هشتم- از روی کافر نگریزه.

نهم- در غنیمت شجاعت نکند.

دهم- نهی و درغزا آن باشد که مزین می جوید و نصرت مسلمان می کند.

کنسر سیوم، به ایران بدهکار است

قرار است، تا پایان هفته دیگر، شرکت ملی نفت ایران، با دفتر کنسر سیوم در لندن، به حل و فصل نهایی چیزی بپردازد؟ که برای ملت ما، اسارت و ستم و برای انحصار- های نفتی ثروت تقسیم شده و با آرد همراه داشت.

رژیم سرنگون شده پهلوی، که مولود استقرار امپریالیسم انگلیس در ایران و جانمین آن وسیله امریکابوه، از چهار سال پیش به مردم ایران مژده داده، و مدعی شد که در ایران برای همیشه «عصرامعجاز» پایان یافته است. و دیگر ایران تابع چیزی به نام قرارداد و امتیاز نفت باخارج جهان نیست. ولی بهار زود مردم دانستند که فقط برچسبها را تغییر داده اند، و جای نامها، و عنوانها عوض شده است و رژیم دوم سال پیش، که رژیم، از کمر به قلاب انقلاب افتاده بود، رئیس و مدیر عامل شرکت ملی نفت، با تمام سرسپردگی، نتوانست پنهان سازد که تمام تراره های مورد ادعا، ظاهری بوده است با و همی که کنسر سیوم سابق پیش گرفته، چندین سال زمان لازم است که ایران بتواند خود اداره صنعت نفت را بدست گیرد و از کارشناس خارجی بوی نیاز شود. و این سخنان زمانی گفته می شد که حرب پیش یعنی کرده بود، منابع نفت ایران بیش از بیست سال دیگر

بقیه در صفحه ۱۲

انحصارهای مالی بین المللی و استعمار نو

سازمانهایی مانند «صندوق بین المللی پول» و «بانک جهانی» که ظاهراً برای کمک به کشورهای فقیر و رفع مشکلات اقتصادی آنها فعالیت می کنند، در حقیقت اهرم های بسیار نیرومندی برای اعمال فشار نواستعماری هستند. این موسسات تقریباً همیشه بوسیله بانکهای بزرگ غربی، و اکثراً آمریکائی کنترل میشوند و فقط به کشورهای وام می دهند که شرایط بخصوصی را بپذیرند. مثلاً به رژیم «سالوادور آلینده» که با مشکلات اقتصادی فراوانی روبرو بود هیچگونه کمک مالی داده نمی شد. ولی بمحض آنکه ژنرالهای شیلی حکومت «آلینده» را سرنگون کردند میل پول از سوی موسسات مالی امپریالیستی بطرف آنها جاری شد. و یا در رابطه با کشورهای مثل کوبا و ویتنام، انحصارات مالی بین المللی نه تنها حاضر نیستند به آنها کمک کنند، بلکه از نفوذ خود بر کشورهای دیگر استفاده می کنند تا دولت های انقلابی را تحت فشار اقتصادی قرار دهند و آنها را بایکوت کنند. یکی از تازه ترین مواردی که می توان در آن عملکرد غولهای مالی امپریالیستی را دید، مورد ترکیه است. دولت «اچویت» در ترکیه با بحران اقتصادی شدیدی روبروست و از کشورهای غربی تقاضای کمک کرده است. اما این کشورها اعلام کرده اند فقط در صورتی به ترکیه وام خواهند داد که آن کشور کلیه شرایطی را که آنها دیکته می کنند بپذیرد. بنابراین ترکیه باید یا در بحران اقتصادی غرق شود و یا به اسارت اقتصادی و سیاسی تن دردهد.

برطبق گزارش «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» میزان قرضه خارجی کشورهای توسعه نیافته امسال به ۲۷۴ بیلیون دلار بالغ خواهد شد و هزینه هایی که این کشورها برای سرویس های مربوط به بدهی های خود مقروضند به مبلغ ۶۰ بیلیون دلار می رسد. بخش اصلی این بدهی ها مربوط به کشورهای است که خارج از «ایک» قرار دارند و در نتیجه با شرایط اقتصادی دشوارتری روبرو هستند. کشورهای توسعه نیافته (خارج ایک) در سال ۱۹۷۰ روی سرافته مبلغ ۶۲ بیلیون دلار برای اصل و مبلغ ۸ بیلیون دلار برای فرع وام هایی که از بانک های بین المللی گرفته شده بود، بدهکار بودند. اما پس از هشت سال، این ارقام همانطور که ذکر کردیم، بترتیب به ۲۷۴ بیلیون و ۶۰ بیلیون دلار رسیده اند. یعنی بدهی این کشورها بانرخ سالیانه ای در حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است.

بدین ترتیب سازمانهای مالی بین المللی و بانکهای کشورهای امپریالیستی یک شبکه گسترده جهانی بوجود آورده اند که تارهای آن روز بروز کشورهای توسعه نیافته را به اسارت مالی بیشتری می کشاند و در نتیجه این کشورها را به قبول طرح های امپریالیستی وادار می سازد و این طرحها باعث وابستگی بیشتر این کشورها به امپریالیزم می شوند. ... این پروسه به همین ترتیب ادامه می یابد تا جائیکه اقتصادهای ضعیف کشورهای توسعه نیافته بطور در دست در اختیار انحصارات مالی امپریالیستی قرار می گیرند.

عربستان ۶۰ جنگنده اف ۱۵ را از امریکای خرد

که دولت عربستان بپای خرید ۵۰ هواپیمای جنگنده مصر را بپردازد. ولی مقامات سعودی گفتند مبالغی که کشور های عرب صادر کننده نفت برای کمک به مصر جمع آوری کرده بودند، اکنون به این کشورها بازگردانده می شود.

خریدهای اسلحه عربستان فقط از امریکا انجام نمی شود، بلکه کشورهای دیگر اروپایی نیز طرف معامله قرار می گیرند. ایالات متحد سال گذشته اعلام کرد امریکا ۲۰۰ هواپیمای جنگنده به مصر، اسرائیل و عربستان سعودی خواهد فروخت. در این رابطه انور سادات رئیس جمهور مصر، اظهار امیدواری کرد

شد و هواپیمای اف-۱۵ بر طبق موافقت نامه قبلی به عربستان تحویل داده می شود تا روابط نظامی بین دو کشور تقویت شود. وی در جواب این سؤال که آیا قرارداد صلح باعث تیرگی روابط امریکا و عربستان شده است یا نه، گفت: «روابط دو کشور مثل همیشه عالی است.» سلطان عبدالعزیز همچنین گفت

وزیر دفاع عربستان سعودی اعلام کرد این کشور علیرغم انعقاد پیمان صلح بین مصر و اسرائیل به رابطه نظامی خود با امریکا ادامه خواهد داد و قرارداد خرید ۶۰ هواپیمای جنگنده اف-۱۵ را عملی خواهد کرد. شاهزاده «سلطان عبدالعزیز» گفت: «این قرارداد عملی خواهد

هرالد تریبون

امریکا، پای ناتو را هم به اقیانوس هند بازمی کند

در پایتخت امریکا بی تردید می فهمند نقشه های پنتاگون مشکل است در اکثر پایتختهای کشورهای حوضه اقیانوس هند. با تفاهم مواجه شود. از اینجاست که آنها می کوشند تا از پشتیبانی متحدین خود در بلوک ناتو برخوردار گردند و در واقع وظیفه ژاندارم «جمعی» منطقه را بعهده این بلوک - گذارند. مسئله در آنست که واشنگتن تا کی میتواند خواستهای کشور-های صلح دوست را مبنی بر تبدیل حوضه اقیانوس هند به منطقه صلح و همچنین قطعنامه هائی را که در این زمینه از طرف مجامع جهانی در سازمان ملل متحد تصویب رسیده است نادیده انگارد.

منطقه صلح در این دنیا امری میسر و ممکن است. لکن دستگاه اداری کارتر در فوریه سال گذشته این مذاکرات را بطور یکجانبه قطع کرد و با وجود درخواست مسکو، حاضر نشده است مذاکرات از سر گرفته شود. انزون بر این، پنتاگون سیاست تقویت تدارکات نظامی در منطقه اقیانوس هند را در پیش گرفت.

در رابطه با حوادث ایران تعداد ناوهای نیروی دریائی امریکا در اقیانوس هند دو برابر شد. پایگاه امریکا در جزیره دی یگو - گارسیا سرعت با تجهیزات مدرن بازسازی میشود. ایجاد یک ناوگان جداگانه - ناوگان پنجم - اقیانوس هند در دستور روز قرار دارد.

رهبری ناتو اختیار داده شد با نژادپرستان افریقای جنوبی درباره تبدیل پایگاه دریائی «سایونستانون» به تکیه گاه بلوک ناتو وارد مذاکره شود. در جراید خارجی مکرر حقایق مربوط به گسترش همکاری و تلفیق عملیات بین ستادهای این بلوک تجاویزی و مقامات نژاد پرست جمهوری افریقای جنوبی انتشار یافت.

ناوهای هواپیما بر و زیر-دریائی های حامل موشکهای بالستیک امریکا که یکان های متشکله نیروهای استراتژیک را تشکیل می دهند متناوباً با اقیانوس هند اعزام می گردند. ناوهای هواپیما بر و دیگر ناوهای بزرگ متحدین امریکا در بلوک ناتو هر چند وقت یکبار در این منطقه ظاهر میشود.

از نیکلای ابوتف - مفسر خبرگزاری جدید - اگر لحظه ای دقت کنید، با آسانی می توانید موقعیت جزیره دی یگو - گارسیا را در نقشه های عملیاتی ناتو ببینید. آسان است اگر توجه کنیم استراتژی های آتلانتیک شمالی در دوران اخیر بنحوی کاملاً بارز آمادگی خود را برای شرکت فعال در نظامی کردن اقیانوس هند که توسط ایالات متحد به مرحله اجراء در می آید، به رخ می کشند.

مثلاً معلوم نشده است وزارت دفاع بریتانیا در نظر دارد یک گروه کشتی جنگی خود را بطور دائم در اقیانوس هند مستقر سازد و از این راه حضور نظامی خود را در شرق کانال سوئز که لندن چند سال پیش از آن دست کشیده بود - تجدید نماید؟ بعقیده ناظران سخن بر سر نقشه های پنتاگون - یعنی بر استفاده از نیروهای مسلح هم پیمان های خود در ناتو جهت اجرای وظایف ژاندارم «جمعی» در این منطقه است. پیش بینی میشود نیروهای مسلح هند نیز که در جزیره دی یگو - گارسیا مستقر است به «همکاری» با نیروهای مسلح امریکا جلب شود. مسئله گسترش دائره فعالیت بلوک آتلانتیک شمالی در حوضه اقیانوس هند مدت ها است که در چارچوب ناتو تحت بررسی است. بدین منظور حتی در سال ۱۹۷۱ کمیته مخصوصی تشکیل شده بود. در سال ۱۹۷۳ طبق توصیه این کمیته، تصمیم محرمانه ای از طرف ناتو اتخاذ گردید و به

عیال دائمی و خانم و آقای شانکی - بشناسنامه شماره ۱۴۱۸۶ مادر متوفی و بیگز نامبردگان وراثت دیگر ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمتر به در روزنامه محلی و رسمی آگهی می شود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به حوزه ۱۱ شورای داوری تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. حوزه ۱۱ شورای داو شهرستان اوزار ۱۱۰ م - الف

آگهی حصر وراثت آقای عیداله شانکی به شناسنامه ۸۶۹ شرح داد خواست کلاسه ۵۷۰۰۱۴۵۰ این حوزه توضیح داده شادروان ناصر شانکی بشناسنامه ۱۹۲ در تاریخ ۱۳۵۷/۳/۲۹ در محل اقامت دائمی خود تهران فوت نموده و وراثت آن مرحوم عبارتند از متقاضی و جعفر بشناسنامه شماره ۱۴۴۵ پسران و گیتی بشناسنامه شماره ۱۹۷ و درگذشته بشناسنامه شماره ۲۷۸۵۶ و نسریین بشناسنامه شماره ۱۱۶۱ و مریم بشناسنامه شماره ۴۵۵۵۳ و صفیه سلیمی افروز بشناسنامه شماره ۱۷۸۹۷ عیال دائمی و خانم آقا

رهبران شوروی بارها اخطار کردند که ایالات متحد با تلاشهای خود در زمینه دامن زدن مسابقه تسلیحاتی و سمع در حوضه اقیانوس هند مسئولیت خطیری بعهده میگرد. زمانی چنین بنظر میرسید که واشنگتن آماده است به این اخطارها عطف توجه کند. در حال توافق طرف امریکادو مورد اینکه گرد میز مذاکرات بنشینند و پاره ای مسائل مربوط به اقیانوس هند را مورد بررسی قرار دهد و نیز حصول پیشرفت های معین در جریان گفتگوهای که بین شوروی و امریکا آغاز شده بود این امید را مه داد که در غایت امر لعمریق اندیشه ایجاد

درگیری دوباره کارگران و پلیس در فرانسه پس از برخورد شدیدی که در پاریس بین کارگران کشتی سازی و پلیس رخ داد، مقامات نیروی دریایی فرانسه اعلام کردند مراسم به آب انداختن زیر دریایی اتمی «پروسن» فعلاً به تأخیر خواهد افتاد. کارگران کشتی سازی که در طرح مربوط به زیر-دریایی اتمی کار می کردند، قبل از موعد مراسمی که قرار بود برای به آب انداختن شدن زیر دریایی انجام شود، از کار دست کشیدند و تقاضای افزایش دستمزدها را مطرح کردند. مقامات نیروی دریایی به کارگران دستور دادند در این مراسم حاضر شوند و در نتیجه وضعیت بحرانی بین دو طرف بوجود آمد. بالاخره هفته گذشته در حدود ۲۰۰۰ کارگر در اسکله حاضر شدند و در برخوردی که پیش آمد با ۵۰۰ پلیس به زد و خورد پرداختند. در نتیجه این درگیری ها عده ای از طرفین مجروح شدند.

حدود ده روز پیش کارگران صنایع فولاد فرانسه، که بواسطه تصمیمات دولت بیکار شده اند، با پلیس درگیر شدند و پلیس عده ای از آنان را دستگیر کرد.

کشورهای افریقای رژیم جدید رودزیا را محکوم می کنند

«سازمان وحدت افریقا» اعلام کرد رژیم جدید رودزیا را برسمیت نخواهد شناخت. این سازمان همچنین به دولت های امریکا و انگلستان اخطار کرد از حمایت این رژیم خودداری کنند. در بیانیه مشترک کشورهای افریقای چنین آمده است: «سازمان وحدت افریقا معتقد است امریکا و انگلستان بوسیله گروه های فشاری که سعی دارند انتخابات زیمبابوه (رودزیا) را آزاد و منصفانه جلوه دهند، فریب نخواهند خورد.» از سوی دیگر سنای امریکا از پوزیدنت کارتر درخواست کرده به محدودیت های اقتصادی رسمی که علیه رودزیا اعمال می شود، پایان دهد. مقامات سنا می گویند اکنون در رودزیا یک رژیم سیاه پوست بقدرت رسیده و امریکا باید از این رژیم حمایت کند. تحریم اقتصادی رودزیا ده سال پیش بوسیله سازمان ملل مطرح شد و عکس العملی بود در مقابل نصب قدرت در آن کشور توسط نژادپرستان سفیدپوست. امریکا و انگلستان و دیگر کشورهای غربی در حالیکه عملاً هرگز تحریم اقتصادی را رعایت نکردند، اکنون طرح تازه ای ریخته اند و سعی دارند با روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده سیاه پوست، بطور رسمی از دولت رودزیا حمایت کنند. آنها با کمک «یان اسمیت» نخست وزیر سفیدپوست رودزیا موفق شدند یکی از رهبران خائن سیاهان را بریاست دولت جدید این کشور برسانند و اینک قرار است این رژیم جدید سیاه پوست در سرکوب استقلال طلبان واقعی رودزیا به امپریالیست ها و دارو دسته «یان اسمیت» یاری رسانند.

ازهرالد تریبون

سفر هیئت نظامی امریکا به مراکش

یک هیئت آمریکایی بریاست معاون وزیر دفاع ایالات متحده بزودی وارد مراکش خواهد شد. این هیئت قرار است با ملک حسن دوم پادشاه مراکش در پاره نقش مراکش در خاورمیانه و جنگ نیروهای ملک حسن با استقلال طلبان صحرائی باختری وارد مذاکره شود. در همین زمان «سایروس ونس» وزیر خارجه امریکا و مشاوران خاورمیانه ای او سرگرم بازدید از مصر و اسرائیل هستند تا در مراسم مربوط به انعقاد پیمان صلح بین این دو کشور حضور داشته باشند. ملک حسن که تاکنون از پوزیدنت سادات و مذاکرات صلح او با اسرائیل دفاع می کرد، اخیراً مجبور شده به حمایت آشکار خود از رژیم مصر پایان دهد. در کنفرانس اسلامی که بتازگی در مراکش برگزار شد نمایندگان دولتهای عربی، نماینده مصر را نپذیرفتند و سلطان حسن نیز در این باره عکس العملی نشان نداد. بنظر می رسد مذاکرات هیئت آمریکایی با مقامات مراکشی به مسئله خرید بیشتر اسلحه از امریکا مربوط شود. در حالیکه رژیم مراکشی صحرائی باختری را ضمیمه خاک خود کرده و از تئسی آن کشور سرگرم مبارزه با استقلال طلبان صحرائی، امریکایی ها که سعی دارند بطور آشکار در این معرکه درگیر نشوند، گفته اند نیروهای سلطان حسن را برای جنگ صحرا مسلح نخواهند کرد. با اینحال دولت امریکا در حدود پنج بیلیون دلار از قطعات یدکی جنگنده های آن هیچ را در اختیار رژیم مراکش قرار داده است و مهمات بیشتری به نیروی دریایی و هوایی سلطان حسن تحویل خواهد داد. در مقابل رژیم مراکش بطور رسمی از اعتراف باینکه این سلاحها را علیه مبارزان صحرا بکار می برد، خودداری خواهد نمود.

درگیری دوباره کارگران و پلیس در فرانسه

نامه سرگشاده جبهه دمکراتیک ملی به آیت الله خمینی

مقالات

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در عین داشتن افق مشترک با روزنامه دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل با منی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می‌کنیم.

علا از انجام وظیفه بازمانده و یکی پس از دیگری استند می‌دهند. ممکن است بفرمائید: استنباط شما درست نبوده و عقیده بر اینست که دین و دولت از هم جدا نیستند ایرادی ندارد که روحانیت حکومت کند. بسیار خوب است رهبری دینی اگر کار ملک و ملت در دست بگیرد، مجبور است به استناد مرجعیت دینی و الهی‌اش عمل کند، چنانکه شما عمل می‌کنید. یعنی در مقامی قرار گیرد که چون و چو پذیرد، و هر کلام او، در نظر پیروانش، نمودار است. در حکم کلام خدا محسوب خواهد شد که اطاعت از آن واجب است و مخالفت با آن در حکم مخالفت با خدا. در این صورت اراده آزاد ملت که باید از طریق نهادها و سازمانها اجتماعی و سیاسی‌اش نظارتی دائمی بر کار رهبری کند داشته باشد عملاً منتفی خواهد شد. آیا این خود استبداد نیست؟ از اینها گذشته، اگر منظور شما و روحانیت و ایجاد نوعی حکومت الهی است که عملاً فقط بر اساس قرآن و به دست روحانیون میسر تواند بود، پس صحبت از قانون اساسی دیگر چرا؟ پس در کجای ظاهر دین و روحانیت دیگر چرا؟ راه ساده و خداپسندانانه‌اش اینست که شما روحانیت دستگاه دولت را رسماً به دست گیرید تا مردم تکلیف خود را بدانند و مرجع حل و فصل مسائل کشوری بشناسند و از همان مسئولیت بخواهند.

تا پیش از پیروزی انقلاب، «وحدت کلمه» در نظر شما، وحدت اعتقاد و عمل همه مردم در رسیدن به هدف سیاسی معین و مشخص، یعنی سرنگونی رژیم سلطنتی بود ولی اینک «وحدت کلمه» از نظر شما، عملاً یعنی «وحدت اطاعت از گفته‌های من». شما این معنی را بویژه در مسائل رفراوند و تعیین نام رژیم کنونی ایران ثابت کردید گرچه در پایان کار فرمودید هر کس آزاد است هر رژیم را که می‌خواهد عنوان کند، اما عملاً فتوای دادید که جمهوری اسلامی باید انتخاب شود، یعنی مرجعیت دینی خود را بر تعیین سرنوشته یک اقدام سیاسی و حکومتی به کار انداخته و دولت نیز جرات نکرد فرمول دیگری را علاوه بر فرمول شما به رای مردم بگذارد.

حضرت آیت الله وحدت کلمه ما در گذشته ناشی ضرورت مبارزه با دشمن مشترک یعنی محمد رضا بود، امروز نیز این دشمن مشترک وجود دارد و آن امپریالیسم است. پس ما به ضرورت وحدت کلمه هنوز هم آگاهی معتقدیم که برای پیگیری این مبارزه باید متحد بود. متحد بودن به معنای ادغام شدن و رنگ باختن و هویت خود را از دست دادن نیست.

وحدت کلمه این نیست که همه حرف خود را بخورند تا فقط یک نفر حق حرف زدن داشته باشد. آیا باید «وحدت کلمه» را به تعوی عنوان کرد که خود موجب جدائی‌ها شود؟ متأسفانه شما چنین کردید و فرصت را فراهم آوردید که دیگران تحت همین عنوان جدائی‌ها را تشدید کنند. تلقی شما از «وحدت کلمه» که گاه یا حمله‌های آشکار به همه گروه‌هایی که از سر اخلاص در عقیده خود و نه از سر مخالفت با اسلام، و یا شما در بیان افکار خویش صداقت دارند، عاملی بود که آن خط کشی کذائی میان «مسلمان» و «غیر مسلمان» و «مذهبی» و «غیر مذهبی» را پیش کشید و اینهمه ماجراها را به دنبال خود آورد و کار را به جایی رسانید که گروه‌های متمصب امروز تاب تحمل هیچ سخنی را جز در قالب تکرار کلمات شما ندارند و به هر صاحب عقیده‌ای که سخنان رنگی دیگری در بی‌معنای هجوم می‌آورند و چماق تکفیر بر سرش می‌کوبند گویی سخن معروف «از تو به یک اشاره، از ما به سر دویدن» مصداق پیدا کرده است. یک اشاره شما کافی است که بیدارتک موجی از تهاجم به راه افتد، و شما آیا در این زمینه احساس مسئولیت نمی‌کنید؟

پیش از پیروزی انقلاب و پس از آن، شما بارها در مورد بسیاری از مسائل روز، مسائل جامعه امروزی ایران نحوه انطباق آن با تعالیم اسلامی اظهار نظر فرمودید و به سزاوارترین حدی دادید که برداشت شما از اینگونه مسائل در رابطه با احکام اسلامی برداشتی مترقی است. ولی اینک واکنش فتوای شما در مورد بسیاری از مسائل امروزی عملان مشاهیر و جدل‌ها و حتی منازعات و مشکلات ظاهراً لاینحل شده است. مثلاً در مورد مسائل مربوط به حقوق زنان و هنرها و فعالیت‌های سیاسی اگر آزادی وجود دارد، چرا متعاقباً استبداد شما، قبل از هرگونه رسیدگی و حکم قانونی، برخی از مسائل ناگاه که از وجود عناصر وابسته در درون آنها خبر نداریم، در حالیکه همه کلمه وحدت یعنی مبارزه بر ضد امپریالیسم یافته‌اند چرا صفوف زنان و مردان و کودکان که بر علیه امپریالیسم

گرایشهای فرقه‌ای، مافوق جنک و جدالهای دسته‌ها و گروه‌ها، به منافع هنگام می‌اندیشد و از نفوذ کلمه و اعتبار خود فقط در جهت وحدت حرکت و پیروزی ملت استفاده میکند. راز پیروزی ما و شکست دشمن در مرحله اول انقلاب هم همین بوده. در شبهای محرم، فقط مومنان نبودند که در پشت‌بامها فریاد الله اکبر سر میدادند، ما می‌دیدیم که همه، حتی کسانی که شاید در عمر خود هم به مسجد نرفته بودند، در دل شب پانک الله اکبر بلند میکردند، ما می‌دیدیم که حتی هموطنان مسیحی، کلیسی، و زردشتی ما نیز، در صفوف فشرده خلق صادقانه به راه می‌افتادند و شهید میشدند. و می‌دیدیم که در صفوف فشرده خلق بیسن مذهبی و کمونیست افتراقی نیست، چرا که سخن بر سر «کمیته» و «بتخانه» نبود، سخن بر سر حق بود و آزادی ملت ما از زیر یار استبداد و امپریالیسم. اما اکنون که بیش از چهارماه از فرار شاه خائن و جنایتکار میگذرد و دولت موقت انقلاب که به پیشنهاد شما و تأیید و حمایت ملت بر سر کار آمد، فراتر از هم انجام داد و دست‌اندرکاران تهیه قانون اساسی است. وضع چگونه است؟ «حقه مهر بدان مهر و نشان است که بوده» در محضر حضرتعالی اجازه می‌خواهیم که به این سؤال، به اعتقاد خود، پاسخ صریح بدهیم و بگوئیم نه. وحدت کلمه ما، که شما اینهمه بدان علاقمند هستید، سست شده است و تردید و دودلی دارد در قلبها لانه میکند. ما می‌گوئیم رهبری شما اکنون همانگونه نیست که پیش از پیروزی انقلاب بود، و برای این ادعای خود «لانی» داریم.

شما پیش از ورود به ایران و بدست گرفتن قدرت سیاسی و دستگاه دولت پارها گفتید که «من یک طلبه‌ام» یعنی که نه من و نه روحانیت، هیچک، مدعی حکومت کردن نیستیم. و این گفته‌های شما ما را در این اعتقاد راسخ میکرد که شما رهبری هستید مافوق درگیریهای فرقه‌ای و

اگر قرار بود رئیس دولت نقشی نداشته باشد دیگر چرا ایشان را نامزد این کار کردید.
وحدت کلمه این نیست که همه حرف خود را بخورند تا فقط یک نفر حق حرف زدن داشته باشد.
موج ترور و وحشت عمیق تر از آنست که ما سکوت کنیم.
بگذار همه ما فدا شویم تا نهال عدالت و آزادی و حق بارورتر گردد.

سلکی، که خواستار تمرکز قدرت سیاسی در دست خود، یا در دستگاه خود، نیست و برای هموار کردن راه سلطه روحانیت بر دستگاه دولتی نمی‌کوشد، بلکه حداکثر خواستار آنست که روحانیت «وجدان بیدار» جامعه باشد و ارشادکننده دولت و ملت، نه آمر و عامل مستقیم. چنین چیزی اگر عملی میشد، میتوانست پدیده‌های جدید در کار مملکت‌داری و یکی از ویژگیهای انقلاب ایران به حساب آید.

اما عملاً دیدیم و می‌بینیم که چنین نشد و چنین نیست. با وجود دولتی که شما خود آحاد ملت را به حمایت از آن تشویق کردید، دخالت شما و روحانیت در امور مملکت‌داری و دستورهای صریحی که صادر می‌فرمائید آنچنان ابعاد وسیعی گرفته است که در این راه حتی کمترین ملاحظه‌ای هم رعایت نمیشود. شخص شما نه تنها در امور داخلی کشور دخالت مستقیم و صریح دارید بلکه سیاستهای خارجی کشور را هم مستقیماً تعیین میکنید. دستور میدهید که رابطه کشور ما با مصر قطع شود. در ضرورت رابطه با مصر که لازم بود حرفی نیست، اما مساله اینست که شما این دستور را صادر میکنید، نه رئیس دولت نه حتی شورای انقلاب، مساله اینست که شما این دستور را به نخست‌وزیر صادر نمی‌کنید، بلکه مستقیماً به وزیر خارجه صادر میکنید. اگر قرار بود رئیس دولت نقشی نداشته باشد دیگر چرا ایشان را نامزد این کار کردید و از مردم خواستید که این نامزدی را با راه‌پیمائی خود تأیید کنند؟ کافی بود خود شما به کمک دستیاران و همفکران و کسانی که خود صلاح میدانستید امور مملکت را در دست می‌گرفتید. مأمور کردن نخست‌وزیر موقت به تشکیل کابینه از آن جهت بود که شما رسماً و علناً ضرورت وجود دولت و جدائی آن را از دستگاه روحانیت تأیید کردید. اما با وجود این، هیچ مساله‌ای از مسائل کشور، از موضوع آب و نان و برق و گوشت گرفته تا مسائل مهمتر سیاست داخلی و خارجی نیست که مستقیم و یا غیر مستقیم تابع فتوای شما و مداخلات روحانیون نباشد چندانکه همگان میدانند که دولت شعبی بیش نیست، و کار دستگاههای کشوری، در بسیاری از موارد، چنان فلج شد است که بسیاری از استانداران، فرمانداران و قضات

حضرت آیت الله پیش از نوشتن این نامه سرگشاده، مدت‌ها اندیشه کردیم می‌خواستیم بدانیم و یقین حاصل کنیم که آیا نوشتن چنین نامه‌ای، در شرائطی که فعلاً در آن هستیم، به صلاح کشور و انقلاب ما هست؟ آیا بهانه به دست دشمنان بدخواه و کینه‌توز، که منتظر فرصت نشسته‌اند تا هر چیزی را مستمسک قرار دهند و بر اساس آن تخم نفاق و شایعه پراکنند، نخواهد داد؟ آیا مسداحان فرصت طلب به خشم برنخواهند خاست و نامه ما را بهانه‌ای برای تاخت و تازی مجدد نخواهند گرفت و هزار «آیاه» دیگر. اما سرانجام به این نتیجه رسیدیم که گفتن مفیدتر از نگفتن است، به این نتیجه رسیدیم که خطرهای کمین کرده در راه انقلاب ایران عمیق‌تر و مهم‌تر از آنست که خود را دلخوش داریم و «ملاحظات» را محلی برای خاموش ماندن و پذیرفتن چیزهایی که در ذات خود نپذیرفتنی هستند قرار دهیم، به این نتیجه رسیدیم که خطرها را پیش از آنکه توسعه یابند و چاره‌ناپذیر شوند، باید در همان نطفه شناخت و از همان آغاز چاره کرد، به این نتیجه رسیدیم که آنچه می‌خواهیم بنویسیم «عقیده» است، و مگر نه اینست که: ان‌الحیوة، عقیده و جهاد؟ پس چه باك از ابراز عقیده؟ حتی اگر مخاطب در این بیان عقیده، رهبری چون امام خمینی باشد، و بالاخره، به این نتیجه رسیدیم که اگر قرار باشد در راه دفاع از آزادی و بر سر ابراز عقیده جامعه به انبیا گشاده شود که باز هم خون‌پاشی ریخته شود چه پیش از آن هم اکنون هشیارانه گامهای لازم برای پیشگیری از آن فاجعه برداشته شود، این بود که به نوشتن نشستیم و امید آن داریم که با وجود مشکلات و گرفتاریهای شبانه‌روزی در کار سازمان دادن به انقلاب ایران، اقتدر فرصت برای شما و راه برای این نامه باقی مانده باشد که این نوشته بدست شما رسیده و آنرا مطالعه بفرمائید، ما از زمره کسانی هستیم که به مبارزات شما از همان آغاز یعنی از پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، و بعد هم تبعید شما از وطن و ادامه مبارزه در خارج از کشور دل بسته بوده‌ایم و سالهای دراز فارغ از هرگونه فرقه‌گرایی و تعصب در اشاعه پیام شما در دفاع از حقوق پایمال شده مردم مستبدانه ایران کوشا بوده‌ایم. باید گفت که ابتدا، به حکم جدائی و تفرقه‌ای که در میان بود و خود شما پارها به آن اشاره کرده‌اید، به قاطعیت روحانیت در نبرد ملت ایران با ارتجاع و امپریالیسم یا تردید و دودلی نگاه میکردیم، اما سرچه زمان میگذشت و سرخشی و پایداری و سازش‌ناپذیری شما را در مبارزه می‌دیدیم، اعتقادمان بیشتر میشد و سرانجام به این نتیجه رسیدیم که شما مبارزی راستین، ضد استبداد و ضد امپریالیست هستید و امیدوار شدیم راهی که همگام با روحانیت در پیش است، با توجه به نفوذی که معنویت مذهب در باطن مردم ایران، و گسترشی که سازمان روحانیت در جامعه ما داشته است، به پیروزی مردم بر دیو استبداد و سرنگونی نظام استبدادی وابسته به بیگانگان خواهد کشید، و وظیفه هر ایرانی است که در این راه همگام باشد و بکوشد تا همه نیروها در مبارزه مقدسی که شما در رأس آن قرار گرفتید متحد شوند، و همان «کلمه» و همان «حرف» را که شمایی گوئید، یعنی قطع سلطنت و استقرار جمهوری را شعار خود قرار دهند. بهین دلیل، در دو سال اخیر که نهضت ما اوج گرفت و تظاهرات و مبارزات علنی و همگانی شروع شد، ما نیز مانند بسیاری دیگر، سربازان راستین و جان برکت این مبارزه بوده‌ایم و همه جا مبلغ و مبشر و مدافع رهبری شما. ما این مشارکت در مبارزه و دفاع از حقانیت شما را آگاهانه و با اعتقاد انجام میدادیم نه از سر زپ و زیا. برای ما اینگونه مشارکت در یک جهاد ملی که رهبری آن میرفت تا در دست یک مرجع دینی متمرکز شود، عملی حسابگرانه بر اساس ملاحظات نبود، کاری بود از روی اعتقاد و از سر شوق. ما می‌دیدیم که راه شما راه تازه است، که برداشت تازه‌ای از دین و نقش انقلابی و سازنده آن را نوید میدهند. ما می‌دیدیم که شما به جای آنکه ایلام را به «شرعیات» و «مطهرات» و امثال آن محدود کنید، از استقامت در مبارزه، از جهاد، از آزادی و برابری سخن می‌گوئید و این چیزها را هدف راستین اسلام میدانید. یا توجه به چنین شناختی از شما و راه شما، گوشمان به تبلیغات زهرآگینی که از داخل و خارج میشد که می‌خواستند حرکت شما را تلاشی ارتجاعی قلمداد کنند و خلق را و خدمتگزاران خلق را از شما بربایند، پدکار نشد. راه خود را در تأیید اهداف ضد استبدادی و ضد امپریالیستی شما انتخاب کردیم. رژیم پهلوی و حامیان خارجی او میگفتند رهبران مذهبی پیشی سنتی دارند و می‌خواهند جامعه شما را به عقب برگردانند. و ما قاطعانه می‌گفتیم که این اتهام دروغ است، رهبران مذهبی بیانکننده خواستها و گرایشهای عمیق و آزادیخواهان مردم ما هستند. راه آنها بازگشت به گذشته نیست بلکه استفاده از دینامیسم معنویت اسلامی برای گشودن راه آینده بر توده‌های ستمدیده خلق و ایجاد ایرانی مستقل، آباد و آزاد است. می‌گفتیم و از سر ایمان و اعتقاد می‌گفتیم و عمل میکردیم. تا زمانی که دشمن مسلط بود، و شاه خائن هنوز کشور را ترک نکرده بود، همه چیز در وحدت کلمه و در حرکتی به راستی انقلابی پیش میرفت، و شما سکان‌کشی انقلاب را در دست داشتید و ثابت کردید که مرجعیت شما فقط مرجعیت مذهبی نیست، مرجعیت یک رهبر سیاسی آگاه است که مافوق

۱۳ تون فرهنگی و سیاسی خلق توکمن : برای بخون کشیدن خلق توکمن، مالکان دسیسه چینی می کند

روژ چهارشنبه پاسداران کمیته «خان بهین» در حمایت از یکی از مالکان، به اهالی دهکده نظرخانی، از توابع گنبد، تهراندازی کردند. در این حادثه ۴ نفره نامهای احمد نظرخانی - ۱۶ ساله - محمدقلی نظرخانی - ۱۵ ساله - و سالار نظرخانی - ۱۴ ساله - کشته و ۲ نفر به اسامی امان گلدی نظرخانی - ۳۰ ساله - و محلی نظرخانی ۱۵ ساله به هت زخمی شدند.

«کانون فرهنگی و سیاسی خلق توکمن» در روز با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن محکوم کردن کشتار مردم روستای نظرخانی، خواهان معسرفی و محاکمه عاملین این جنایت شد.

در اعلامیه این سازمان آمده است: بیست و یکمین دولت محافظ منافع چه کسانی است؟ آیا برای دولت موقت «انقلابی» جلوگیری از یک تازیهای چپاولگران و مالکین بزرگ و عمال رژیم سابق و حمایت از خواست بحق روستائیان زحمتکش، احتیاج به فکر کردن دارد؟

آیا هنوز بجای هوراهای می دانیم.

با یکپارچگی و وحدت عمل از آزادی دفاع کنیم

و ملن ما از قید ستم رهاشوند، باید ملت بر سر نوشت خودحاکم شود. حکومت ملت بر سر نوشت خود جز با رعایت حقوق بنیادی فردی و اجتماعی، جز با رعایت آزادی عقیده و بیان، آزادی تجمع و تشکل، آزادی عمل احزاب سیاسی، آزادی کامل مطبوعات و لغو هرگونه سانسور، آزادی نظام آموزشی، پرورشی و پژوهشی، آزادی نظام خبری، آزادی دین و مسلک، و کار و شغل و حرفه، امکان پذیر نیست. این آزادیها را با بیطرفی کامل، با مشارکت همه مردم و با استفاده از کمک همه افراد و گروهها میتوان برقرار کرد. انحصارطلبی، قشریت و تاخت و تاز عوامل متمصب بر دیگران و جلوگیری از کسب و کار آزادانه و اظهار عقیده و بیان افراد و گروههای دیگر با استفاده از بسیج توده‌های ناآگاه و گروههای فشار در تحت لوای مرجعیت دینی، با این آزادیها منافات دارد و میهن ما را به پرتگاه جنگ داخلی و سقوط حتمی میکشاند. سکوت شما در این موارد، که گاه با موضع گیریها و فتوای های حمایت کننده معنی دارتر هم میشود، میرود تا جامعه ما را در مسیر پرتگاهی خطرناک قرار دهد. این پرتگاه بحق سقوط بدامان امپریالیسم است ما ایمان داریم که بدرستی بعد از «شاه نوبت آمریکا است». اکنون انتخاب بر سر ادامه راه وحدتی کاذب با دندان بر جگر گذاشتن و تحمیل بیعدالتی کردن در هراس از یک جنگ خانمان برانداز داخلی است. یا دل برکندن و راه خود در پیش گرفتن در جهت بی تفاوتی به سر نوشت انقلاب. در چنین دورنمایی ما نمی توانیم ساکت بمانیم. ما موظفیم و وظیفه اخلاقی، شرعی، انسانی و وجدانی خود میدانیم که با تجاوزها مبارزه کنیم و نگذاریم بیداد و ستم بار دیگر در میهن ما پایگیرد و قدرت بیگانه از خلق بر ما مسلط شود. اگر آنان که به نام اسلام عمل میکنند تاب تحمل ندارند اگر میخواهند منطلق را با ارباب و تهدیدیه و حمله و هجوم پاسخ بدهند، بگذار همه ما فدا شویم تا نهال آزادی و حق بارورتر گردد.

در پایان بانهایت حسن نیت، با مید و آرزوی مستحکم تر کردن صفوف ملت ایران، در عین تواضع و احترام به آن شخصیت بزرگوار، آماده ایم و تقاضا داریم با دیداری با هیات اجرایی جبهه دموکراتیک ملی ایران، فرصت رفع هر نوع سوء تفاهم احتمالی را در بیان و عرضه تمامی دلایل و شواهد و استدلالات گفته شده مرحمت فرمائید.

با درود و تحیت فراوان برای آن حضرت هیئت اجرایی جبهه دموکراتیک ملی

تاریخ حیات آنان چیزی جز بی توجهی بمنافع و مصالح ایران و تاریخ فکشان. اگر واقعا همان باشند که مدعی اند چیزی جز نفی جوهر تفکر اسلامی را گواهی نمیدهند ولی مجباً که جمهوری اسلامی میگویند و می نویسند و میخواهند. اما بسیاری مسلمانانی که پاکدلانه سلیقه‌ای و فکری بجز جنابعلی دارند و در اصالت و صداقتشان فقط چون «جمهوری اسلامی» را نگفته اند نباید تردیدی روا دارید. حضرت تعالی اینها هم نیک میدانید که تاریخ پر ماجرای ایران مردان و بزرگان بسیاری بخود دیده است که هر یک به فراخور و اقتضاء، مصدر خدمات پر ارجی به ایران بوده اند. ملت ما، ایرانیان میهن پرست، تردیدی به خود راه نمیدهند که با تمام وجود زندگیشان را وقف دفاع و حراست از ارزش های والای انسانی کنند. اگر اسلام میسر عدالت و داد است، اگر اسلام تضمین کننده بی چون و چرای آزادیهای سیاسی مردم است، اگر اسلام حافظ و ضامن و پشتوانه محکم استقلال ملی ماست پس چگونه حضرت آیت الله این بی عدالتی را میپذیرید که تمامی کسانی را که از سر صراحت و از سر عشق به این آب و خاک حرفی علاوه بر حرف شما بر زبان می آورند، یکسره نفی ورد کنند.

این بی اعتنائی هائی را که گاهگاه اینها و آنجا نسبت به ایران و ایرانییت و شخصیتهای تاریخی و ملی ما میشود مگر میتوان به حساب عشق به اسلام گذاشت؟

دکتر محمد مصدق مبارز کبیر ضد امپریالیست ایران را که جهانی به او دیده احترام میگذرد، مگر میتوان به نام اسلام به یاد استیزاء و تخفیف گرفت؟

آن ایرانی، مسلمان، مبارز را که محمد رضا خان بیسوده سالها کوشید خدماتش و نامش را از تاریخ کشور ما محو کند مگر میتوان تکریم نکرد و عزیز نداشت؟ و این همه را بنام اسلام. نه. این اعتقاد صادقانه است که نباید چنین باشد. امروز میگویند بپذیرید که دشمن انقلاب هستید، چون معتقد به دموکراسی هستید، چون جمهوری دموکراتیک گفته اید! چون جمهوری خلق مسلمان گفته اید، چون جمهوری گفته اید و از این دست چون و چراها.

حضرت آیت الله کار انحصارطلبی به چائی رسیده که هر اتفاق کوچک و بزرگی، یا آنکه نشاء و مصدرش هم معلوم و مشخص است یا تبلیقاتی همه جانبه و زمرگین به گروههای شناخته شده و معین در جامعه نسبت داده میشود. موج ترور و وحشتی که بدنیال این اتهامات در جامعه ما پراخ می افتد و وسیعتر و عمیق تر از آنست که ماسکوت کنیم. ما می بینیم که توسعه جنگهای «حیدری» و «نعمتی» چشم انداز دلپذیری برای بسیاری کسان شده است که متأسفانه خود را پیروان اسلام میدانند.

آیا مسئولیتی در قبال انقلاب ایران وجود دارد یا نه؟ آیا هر کس، در هر مقام که باشد، فقط به دلیل لباس روحانیتی که بر تن دارد مجاز به هر نوع موضع گیری در قبال مسائل سیاسی مهم است؟ آیا اهمیتی ندارد این نوع موضع گیریها چه عواقبی ممکن است برای ما داشته باشد؟ شما که پیش از سرنگونی شاه نهضت ما را با آن درایت و روشن بینی و شم سیاسی رهبری کردید و به دقت و وسواسی شکفت انگیز میکوشیدید تا ما در مسیر خودمان باشیم و دشمن تراشی بیسوده یا خدای نکرده انحراف ناپذیری نداشته باشیم، اینک آیا شایسته است که تماشاگر بی تفاوت این گونه انحرافها باشید؟ حضرت آیت الله دولت موقتی که شما بر سر کار آورده ماموریت هائی معین و مشخص داشت. این دولت قرار بود رفرا ندوم را انجام دهد، قانون اساسی جدید را تهیه کند و مجلس موسسان را برای تصویب آن فراخواند. رفرا ندوم به ترتیبی که همگان دیدیم برگزار شد. رفرا ندوم حسی اگر با دموکراتیک ترین شیوه های جاری در جهان و زیر نظارت دقیق و سخت گیرانه هر مرجع داخلی و یا خارجی هم انجام میگرفت باز هم جمهوری اسلامی پیروز میشد. پنا بر این حق این بود که ما بکشیم تا این رفرا ندوم به شیوه ای واقعا آزاد و بدون خدشه انجام گیرد تا به جهانیان ثابت شود که ملت ایران رشد انقلابی دارد و سلطنت را در آزادانه ترین و دموکراتیک ترین شکل بیان اراده خود به گور سپرده است. اما دولت موقت، پس از کوششی ناموفق، رفرا ندوم را به شیوه ای انجام داد که تعداد آراء مثبت آن از کل جمعیتی که میواتست رای بدهد نیز فراتر رفت و عجیب اینکه شما این شیوه را «آزادی» نامیدید و از آن دفاع کردید.

پایانک بیش از سه ماه از مدت ماموریت دولت موقت میگذرد هنوز اقدامی برای استفاده از مشارکت همه گروهها و اقشار مردم در تدوین قانون اساسی بعمل نیامده است. دولت که خود مامور و مسئول این مهم است عملاً دست و پای خود را چنان بسته می بیند که جرات کمترین اقدامی در جلب مشارکت مردم را ندارد. معلوم نیست چه کسانی و در کجا مشغول تدوین قانون اساسی اند، این گونه پرده پوشی ها، این گونه تصمیم گیری در پشت درهای بسته از چیست؟ آیا از بیان نظرات ملت و از مخالفت گروهها در سر نوشت اساسی مردم هراسی در بین است؟ مگر مردم انقلاب نکردند که در سر نوشت خود دخالت داشته باشند؟ مگر شما در نطق خودتان در پشت زهر نگفتید که پدران ما چه حقی داشتند که برای امروز ما تصمیم بگیرند؟ و وقتی که پدران هفتاد سال پیش ما چنین حقی نداشتند آیا برادران امروز ما میتوانند چنین حقی داشته باشند؟

حضرت آیت الله اگر قرار است انقلاب ایران به پیروزی کامل برسد اگر قرار است تسلط امپریالیسم و سرمایه داری وابسته از میان برداشته شود، اگر قرار است ایران کشوری آزاد، آباد و مستقل باشد، اگر قرار است حیثیت و آبروی ایرانی در جهان محفوظ بماند، اگر قرار است زحمتکشان

بیگانه شتوند مورد هجوم عوامل چماق بدست قرار که از این رهگذر عده ای زخمی میشوند (طبق خبر راپا) و خشونت و بیرحمی حمله کنندگان همه ناظرین عیب میکند که این حد از خشونت از کجانشی میشود و چرا سکوت به این مقدمه کشتارهای آتی نظاره میکند.

مگر زنان واقعا آزادند، و هیچ حقی از آنان نباید ضایع برآید؟ مگر زنان از صدور احکام قضائی زنان حقوقدان برآید؟ مگر زنان در فعالیت آزاد و فرهنگی است پس کرد و تعطیل در بسیاری از رشته های هنری دیگر از ؟ چرا برقراری یک نمایشگاه نقاشی حتی در مرکزی ؟ چرا آموزش و اشاعه هنر هاست از امنیت لازم برخوردار ؟ چرا مقرر مسائل کم اهمیت تر از این دستورات شما که در مورد مسائل کم اهمیت تر از این دستورات صادر میفرمائید چرا در این گونه موارد سکوت اختیار باید و نظر خود را اعلام نمی فرمائید؟ آیا قبول ندارید که در راهی که در برخورد با این مسائل در پیش شده برای همیشه هموار و تثبیت خواهد کرد؟

حضرت آیت الله شما چندبار اعلام فرمودید که عقیده آزاد است و کسی نباید متعرض روزنامه ها بشود. ولی برای اسلامی که شما عملاً زمامدار و صاحب اقتدار آن هستید، گروههای بسیج شده ای از مردم، تحت نظارت و رهبری شما، به روزنامه های تازند، نویسندگان را میکشند، جلوی توزیع روزنامه ها را میگیرند، کتابخانه ها را میزنند، در مدارس و دانشگاهها، معلمان و دانشمندان را به بدلائل عقیدتی و مرامی کنار میگذارند و مانع از آن میشوند، در اجتماعات مسالمت آمیز مردم اختلال می یزیدند و میکشند تا با جلوگیری از حرکت آزادانه مردم جنگ و تلویری راه اندازند، در رادیو و تلویزیون کار فشار و نظارت شخصی را تا بدنیال پیش برده اند که اخبار نادرست برای تحریک کننده و تفریق افکن پخش میکنند و دستگاهی با پول ملت فراهم شده و باید عامل ایجاد وحدت و برادری بین مردم باشد به صورت ابزاری در جهت مقاصد و شخصی یا گروهی خود یکار میگیرند و آنوقت، در برابر اعمال حوسرانه مخالف آزادی های فردی و اجتماعی، به انتقاد راعم دشمنی یا انقلاب جلوه میدهند و سعی می کنند تا انسان خود را به شخص شما، زبان انتقاد مردم را در چنین جنگهای، نه تنها از مقام رهبری رهنمودی و در آشکار نائی بر قطع تجاوزها به دولت نرسد، بلکه انتقاد نوه حضرت تعالی از ناپسانمانی اوضاع و تجاوزهای به آزادی بیان و عقیده و اعمال سانسور در رسانه های بی بی سی و سایر رسانه های اطلاعاتی از «دفتر مرکزی امام» بشنود آن آشکارا تقویت تجاوزان و خاموش کردن منتقدان و خشی میشود. آیا اینست معنای آن محیط تفاهمی که با نام «وحدت کلمه» منجر شود؟ کافی نیست به مردم شود که دولت دیگری سانسور نمیکند و ژاندارم و پلیس برای مناعت در کار روزنامه ها نمیفرستند. وقتی که گروههای پخش شده ای از مردم همین وظیفه را در برابر چشمهای ما و ولی عسلی بی تفاوت دولت انجام میدهند، وقتی که با فتن فتوای از شما عرضه را بر روزنامه ها تنگ و برخی آنها را یا اشغال مراکز و جلوگیری از توزیعشان و بیرون راندن نویسندگانشان تعطیل میکنند، چه تفاوتی در اصل با وجود دارد؟ و آیا میتوان انتظار داشت مردمی آزاد بخوابد و برای رسیدن به آزادی خونها داده و در کوره کباب آبدیده شده اند، این تناقضها را نمی بیند و به سادگی آنها بگذرند؟ آیا ماحق نداریم از خود بپرسیم که این چگونه حق اسلامی است که به جای مقابله منطقی با انتقاد مخالفان منتقدان و یا اجرای صحیح قانون درباره خطاکاران خالی مطبوعات، از نفوذ کلمه مرجعیت دینی برای خفه راندن منتقدان و تعطیل روزنامه ها استفاده میکنند؟ تناقض این است و با ادعاهای مربوط به اینکه منطق اسلامی، منطقی و یکپارچه است و بی تفاوت است سنتی اسلامی است شما چگونه حل میکنید؟ مگر نه اینست که درک این تناقضها سرانجام تخم بگمانی و یا سر ادر دل مردم بارور خواهد کرد و کار را به نفاق و خصومت و مبارزه خواهد کشاند؟ اینان که عرضه را بر روزنامه ها تنگ کرده اند، اینان که کتاب سوزان برآه انداخته و تلویزیون و رادیو را فقط به بلندگوی حرف و سخن برضد مخالفان عقیدتی خود مبدل کرده اند، راستی آیا پیروان صدیق اسلام و شاهین همان آزادی و معنوی هستند که شما میگویید؟

اینک گفت آن مسلمان آزاده آنجا که میگوید: «منطق قوی اسلامی است که میتواند و باید در مقابل همه ایدئولوژیها و ایدئولوژیها باشد، در غیر این صورت به هیچ وجه اعمال محدودیت نشان نمیتواند جایگزین بحث و استدلال باشد زیرا اگر یکسان بودی میتوانست علاجی برای جلوگیری از فعالیت گروهها باشد طبعاً دیکتاتوری سیاه قلبی خیلی آسان تر و بهتر و یا تجربه بیشتر اینکار را میکند.

حضرت آیت الله جنابعلی در یکی از آخرین گفتارهایتان فرمودید که همه آنان که حرفی جز منخن مکرر شما درباره جمهوری اسلامی میگویند دشمن انقلابند. شما بهتر از بسیاری کسان آگاهید که صرف «جمهوری اسلامی» را گفتن یا گفتن نمیتواند و نباید معیار سنجش حقیقت وجودی و اعتقادی افراد یا گروههای سیاسی و غیر سیاسی بشمار آید.

هستند فرصت طلبانی که از بسیاری مریدان و مقلدان سیاسی شما، حرف و نظر جنابعلی را بیشتر و رساتر فریاد میزنند و تکرار و تبلیغ میکنند. ولی کیست که ذره ای به - اسالت آنها و توجهشان به اسلام و ایران یاور بیاورد؟

گفتگوی کارگر و کارفرما



دیدار فرماندار بابل بار و ستایش «نشل» و «اندوار»

چوپانان و کشاورزان زحمتکش روستا های کوهستان «نشل» و «اندوار» - از پخش بندپی بابل سالهای دراز است که در زیر فشار اربابان و سرمایه داران وابسته و نوکران شاه، قرار دارند - این زحمتکشان که از صبح سحر تا شام کار می کنند، نه تنها از مزایای زندگی مثل چاه، برق، بیمارستان محرومند و از نظر مالی در مضیقه قرار دارند، بلکه از جانب سرمایه داران و مالکان هم دائم زیر فشار هستند.

سرمایه داران و مالکان وابسته به رژیم شاه، که هنوز هم تعداد زیادی از آنها در مین ماهرانگنده هستند با شمار همیشگی خود «نفاق» بینداز و حکومت کن، میان زحمتکشان روستا های مختلف اختلاف می اندازند تا فکر روستائیان را از مساله اساسی یعنی اداره روستاها توسط شورای روستا، منحرف کنند.

همین سرمایه داران وابسته آتش اختلاف در میان روستائیان «نشل» و «حومه» را با عده ای از سنگسری های مهاجر که از طرف سمنان آمده اند، دامن زدند و باعث نزاع

کارگری

خون ماست؟ چون بطوری که می بینیم شما کم کار می کنید و کارسبک انجام می دهید و زیاد می گیرید و از امکانات زیادی برخوردار هستید. آیا گناه ما کارگران که امکانات رفتن به مدرسه و گرفتن مدارک بالا را نداشتیم این است که امروز چون برده اسیر دست شما باشیم تاگوشه و پوست ما را در لابلاهای ماشین های خودتان له کنید و با تبلیغات و نصایح بزرگوارانه خودتان بین ما تفرقه بیندازید و جهت فکری کارگران را بطرف خودتان بکشید. و اما آقای مدیرعامل شما خودتان بیشتر از ما به پند و اندرز تیساز دارید، که کمتر سنگ سرمایه دار را به سینه بزنید.

دستهای شما برای ما رو شده است و بیدار شده ایم و گول این حرفهای شما را نخواهیم خورد. و اما شما میگوئید که هر قدر بیشتر کار کنیم کارمند کمتری لازم داریم و نفع بیشتری می بریم. آدم واقعا خجالت میکشد جواب حرفهای شما بدهد، چون هر کارگر ساده و تازه کاری هم می

مطالبی که در ذیل می خوانید عنوان گفتگوی یک کارگری است که نشان دهنده دو موقعیت متضاد، دو شرائط از پایه متفاوت است. سخن «مدیرعامل» خورده فرمایشات پدرا نه یک سرمایه دار است، به همجنسان خود و پاسخ آنها جواب دندان شکنی است که توسط کارگران سرخ رو گرم چینی افشاء می گردد تا اینکه آن آقایان بدانند کارگران موی خود را در آسیاب سفید نکرده اند! از نوشته ای که بدستمان رسیده نظر به مضمون غنی و پراهمیت این نوشته بخش های آن را اینجا در چند شماره نقل می کنیم.

مدیرعامل:
من آنهایی را که سخت می کوشند و کار می کنند و آنهایی را که دشواریها را می پذیرند تحسین می کنم، همکارانی که سهم کاری خودشان را در سازمانی که هستند نمی پردازند قابل اعتماد نمی داند. لذت در آن است که انسان بیش از آنچه که باید، کار کند که کمتر از آنچه که وظیفه اش می باشد. یک عامل مهم اقتصادی که در سخت کار کردن وجود دارد این است که هر قدر

میان روستائیان زحمتکش دست گردیدند. اما فرماندار بابل «سمنان» برای اولین بار به میان مشکلات آنها رسیدگی کرد. این اولین بار است که از مقامات مملکتی به میان روستا آمد. تا از نزدیک رتبه و کمبود های آنان شادی روستائیان بهنگامی کنار فرماندار نشستند و یک دوست با او صحبت دیدنی بود.

فرماندار بابل قول داد اختلافات و مشکلات را حل کند و نیز درجه جاده، برق، بهداشت و وام با دولت مذاکره نماید. کشاورزان و چوپانان های نشل و حومه از مسئولان مملکت و از مبارزین می خواهند، با کردن پیوند میان شهر و درجهت راهی زحمتکشان چنگال ارتجاع و پیکوشند.

کارگران شرکت نیرامکو حقوق خود را میخواهند

کارگران شرکت «نیرامکو» که از شش ماه قبل به اینطرف اخراج شده اند، خواستار حقوق خود شده اند.

شرکت «نیرامکو» وابسته به شرکت ام. تی. اس (که یک شرکت انگلیسی است) می باشد. کار این شرکت در بندر عباس و در قسمت اسکله سازی و طرحهای ساختمانی و فنی مربوط به اسکله می باشد و از حدود ۵ سال قبل تاسیس شده است.

رئیس شرکت مهندس جرج شینو فعلا در لندن بسر می برد و کارفرمای شرکت دوگلاس است.

تعداد کارگران این شرکت در آغاز کار ۳۰۰ نفر بود که همه از کارگران جوشکار و لوله کش هستند. شرکت مذکور از آماه بیش یا اوج گیری مبارزات مردم بمنظور جمع آوری سرمایه و فرار از بحران، شروع به اخراج

امپریالیسم و بحران بیکاری در ایران (۳)

وجود منابع تدارکی متناسب به مدیریت صنایع مجال میدهد تا کارگران را تهدید به انتقال کارهای تولیدی به نقاط دیگر جهان کند، این مسئله میتواند وزنه موثری در معامله برای تعیین سطح دستمزدها باشد. کارخانه اتومبیل سازی فورد در لندن تلویحا و صریحا این تهدید را در دو بحران اخیر روابط صنعتی اش، بکار برده است.

با وجود این حقایق و وجود ارتباطات آشکار دیگری بین بیکاری و پیدایش کارگران مازاد در کشورهای نظیر بریتانیا و وضع موجود در ایران، شیلی و غیره و جنبه بین المللی مسئله، این امر بطور بین المللی نادیده گرفته میشود. پایه پنهانی سپردن وجود شرائط سخت اختناق در ایران و کشورهای دیگر نظیر ایران پخاطر وجود اشخاص متفردی مثل شاه و یا ژنرال پی نوسه در شیلی نمی باشد، بلکه بواسطه الگوهای اقتصادی سرمایه داری بین المللی که طبیعت اقتصادی خیلی کشورها را تعیین می کند، است. نفوذ سرمایه بین المللی و وسعت عمق اختناق در جامعه ایران دوری یکسکه می باشد.

آنچه که در شیلی، آفریقای جنوبی، برزیل، آرژانتین و غیره میگذرد از همین نوع می باشد. اما سرمایه بین المللی همه طبقات را در یک جامعه تحت فشار قرار نمیدهد، با سرمایه داران بومی شریک شده و در جستجوی مردم حرفه ای برای ایجاد اختناق که نخستین هدفش طبقه کارگر آن جامعه می باشد، خواهد بود. در ایران، سرمایه بین المللی بطور آشکار از طریق قوانین کار و ساواک و بطور محرمانه از طریق اعمال سیاه اختناق بر علیه جنبش کارگری را هدایت می کرد. روشن است که در تلاش برای احیاء حقوق دموکراتیک نمیتوان انتظار دادن امتیازی و یا گذشتی از جانب کمپانی های چندین ملیتی و دولتهای حامی آنها که حمایت سازمانهای جاسوسی بزرگ جهان مثل سیا را هم یدک می کشند، داشت. هستی و بقای کمپانی های چندین ملیتی بخش و جزئی از همین وضع موجود می باشد.

رهبران کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا در این عقیده با سازمان ملل سرسیم هستند که: «از سرمایه گذاری در کشورهای که به حقوق کارگران احترام گذاشته نمیشود ممانعت بعمل آید، و استانداردهای بین المللی ایمنی و بهداشت کار بوجود آید و موانع در برابر اظهار همبستگی بین المللی کارگری برداشته شود و از مداخله سیاسی توسط کمپانی های چندین

- آگهی حصر وراثت**
- خانم امته حسنی پشناسنامه ۳۹ بشرح دادخواست کلاسه ۸۰۷۰۵۷ این شعبه توضیح داده شادروان عباس میرزاخان پشناسنامه ۲۱۹ در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۱۸ در تهران درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست کننده عیال دانشی و غلامرضا پشناسنامه ۱۷۹۷ صادره از تهران و حسن پشناسنامه ۴۵۹۷ صادره از تهران پسران و اعظم پشناسنامه ۲۷ صادره از اراک و منیژه پشناسنامه ۱۰۲۷ صادره از تهران و فاطمه پشناسنامه ۵۴۷ صادره از تهران و لیلیا پشناسنامه ۴۴۵۲ صادره از تهران و کبری پشناسنامه ۱۱۵۴۹ صادره از تهران و زهرا پشناسنامه ۲۹۸۱ صادره از تهران و شهناز
- پشناسنامه ۴۱۰۴ صادره از تهران دارای نام خانوادگی میرزاخان.
- لذا مراتب مه نوبت ماهی یکم رتبه در روزنامه محلی رسمی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
- مشاور قضائی حوزه ۲۷ شورای داوری تهران - تراقی ۴۵۴ - الف**

- آگهی تعیین نماینده در شعبه شرکت خارجی میتوبیشی هوی اینداستریز لیمیتد ثبت شده بشماره ۸۱۷ Mitsubishi Heavy Industries Limited باسناد اصل و ترجمه رسمی و کالغنامه مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸، آقای کازوچیکاماروکی
- آگهی تعیین نمایندگان در شعبه شرکت خارجی اسپی - باتینول ثبت شده بشماره ۵۰۹ باسناد اصل و ترجمه رسمی و کالغنامه مورخ ۵ فوریه ۱۹۷۹، آقایان: آنربره پرنس Andre Auprince پل مالوک Paul Malzac پیر ژان پیر Pierre Jeanjean هانری دوروآما Henri de Roistard فیلیپ ویدالادنی Philtippe Vidalenche رافائل ویتال Raphael Vital ژان لوئی بپوزو Jean Louis Bitouzet واپرس مونتلمار Yves Montelimard نمایندگان اسپی - باتینول در
- Kazuchika Marukei تبعه ژاپن بعنوان وکیل جدید شعبه شرکت مذکور گردید. نامبرده دارای اهل مندرج در و کالغنامه مورخ می باشد. مدیر کل ثبت شرکتها و صنایع - الف ۱۹۶۲
- ایران تعیین گردیدند و منفردا دارای اختیارات در و کالغنامه مذکور می باشد. آقایان اوپرنس، ژان ژان، دوروآما، ویدالادنی و ویتال میتوانند قسمتی از اختیارات را تفویض کنند. بموجب و کالغنامه آقای ویدالادنی اختیارات در و کالغنامه مورخ ۱۹۷۹ را به آقایان Jacques Bellier و Louis Chalmin تفویض کرد. مدیر کل ثبت شرکتها و صنایع - الف ۱۹۶۲

پیغام امروز

جریان روز

۱۰ عامل رژیم سابق تیرباران شدند

دادگاه انقلاب اسلامی اهواز ۸ تن از عوامل رژیم سابق را محکوم کرد. حکم اعدام متهمین بامداد دیروز اجراء شد. اعدام شدگان عبارتند از: سرلشکر غلامحسین شمس تبریزی - مرتیب هوشمند همدانی - سرهنگ حسین کابھی - سرهنگ مهدی مقدم حسینی - سرهنگ داود صارمی - مرتیب غلامحسین علایی - استوار یکم نفی اتخاری و استوار دوم الله وردی بعتوی. * سرگرد منصور حق شناس لیز سرگه دیروز در تبریز اعدام شد. * سروان علی حمزه لوثیان بامداد جمعه در هسوار تیرباران شد.

جیش ملی مجاهدین و جاما خاطره قیام ۱۵ خرداد را گرامی داریم

جیش ملی مجاهدین و جاما ضمن گرامی داشت خاطره شهیدان قیام ۱۵ خرداد، اعلام کردند که در اجتماعات و راهپیمایی های این روز شرکت می کنند. در اعلامیه مجاهدین و جاما آمده است: ۱۵ خرداد یادآور خاطره بارزترین عصیان قهرآمیز خلق مسلمان بر علیه ظلم و بیداد رژیم خونخوار و ضد مردمی شاه خائن می باشد. قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۴۲ برای نخستین بار راه مبارزه جدیتری بر علیه امپریالیسم و عمال جنایتکار آنان گشود... امسال در اولین بهار آزادی فرصت گرانبهایی بدست آمده است که خاطره ۱۵ خرداد سال ۴۲ را در شرایط آزاد گرامی بداریم.

تعطیل موقت دادگاههای انقلاب

دیروز خبر گزار بهای خارجی اطلاع دادند که کلیه دادگاههای انقلاب برای اصلاح برخی موارد بمدت چند روز تعطیل شوند. شایعات زیادی و بیساره تشبیرات در دادگاهها از مدتها قبل سر زبانها بود اما این اولین باری است که بطور رسمی اقدامی در این زمینه انجام گرفته است.

هادوی و خلخانی در اهواز

مهدی هادوی دادستان کل انقلاب با تفاق آقای خلخالی بامداد دیروز به اهواز رفتند و پس از ورود به اهواز برای مذاکره با مقامات محلی به دادسرای انقلاب رفتند.

هیأتی عازم خوزستان شد

بامداد امروز، هیاتی برای تحقیق و بررسی حوادث اخیر خرمشهر عازم این منطقه خواهند شد. این هیأت را نمایندگان حقوقدانان، کانون وکلا، جبهه دمکراتیک ملی، سازمان ملی دانشگاهیان، مطبوعات و چند سازمان دیگر تشکیل می دهند.

۲۸ نظامی بازنشسته از دانشگاه

اخراج شدند

شورای انقلابی تزکیه دانشگاه تهران در جلسه هفتم خرداد ماه جاری پس از بررسی مدارک موجود و پرونده های مربوطه ادمه کار ۲۸ نفر از نظامیان بازنشسته که تصدی انتظامات قسمت های مختلف دانشگاه را در رژیم برعهده داشتند مفایر با اصول و مقررات آموزش دولت و آنان را برای همیشه از دانشگاه تهران اخراج کرد.

کنسرسیوم، به ایران بدهکار است

بقیه از صفحه ۱
دوام نخواهد آورد، و مبارزان ایرانی به رژیم مطرود شاه، از روی طنز هاشم شاه ۷۰ ساله نفت لقب داده بودند. انقلاب به پیروزی رسید، و عمر «امپراتوری نفت» از پنجاه و چند سال تجاوز نکند، و پسرده بالا رفت، و آشکار شد که کنسرسیوم، بانام دیگر، در ایران مانده بود، و با پوشش های دیگر نفت ایران را غارت می کرد. ویست و پنجسال استیلای کنسرسیوم بر منابع نفت جنوب ایران، مغرورانه از دستبرد و غارت ثروت ملی کشور ما، بشمار می آید.

حالا، پس از انقراض «امپراتوری نفت» در ایران، کنسرسیوم، و تک تک اعضای آن، هیچ حقی در ایران ندارند، و مقدار گزافی بابت تجاوزها و دست اندازیهای گذشته باید به ایران خسارت بدهند. و باید حساب قرار داد شکنی ها و نقض عهدهاشان را هم از آنها کشند. تا میاری در رابطه های آینده است و در حد یک پیمانکار عمل می کرده، با این اعتقاد که بابت ملی شدن منابع نفت ایران نوبه نام دریافت خسارت مبالغ گزافی، را آغاز قرار داد، ایران را معهد بریتش پترلیوم عامل همه قرار داد کرده بود، و نیز، در موارد مختلف، یا حساب ایران سرمایه گذار پیمایی کرده است که بعدها مدعی پاهانی از این سرمایه گذاریها شد.

یک نمونه آشکار اعمال نادرست کنسرسیوم، اجاره کردن سکوها شناور بود که چندین برابر قیمت این سکوها بابت اجاره پول دریافت شده است. موارد و نمونه ها بسیار است و اگر یکی عنوان شود، کنسرسیوم ناگزیر از پرهیز از خسارت سنگینی به ایران خواهد بود.

خلیج فارس یعنی طرفداری با امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱
می تواند برای آمریکا قابل استفاده باشد. به این اعتبار، خلیج فارس هم اکنون، و بانام قدیم خود، همان اندازه زیر فشار امپریالیسم هست که بر خلیج «دیگر» می توانست باشد. و فام و برجسب چیزی از واقع امر را تغییر نداده است.

امپریالیسم در خلیج فارس، دارای منافعی است که بطور قطع با منافع مردم این ناحیه مطابقت ندارد، امپریالیسم، به استثمار مرکب این ناحیه پر ثروت خو گرفته است. نفت را اذنان می برد، و نفت را زیر چنگال خود محکم چسبیده است، و پول نفت را به بانکها و نظام پولی و مالی خود بازمی گرداند و دهان مردم سراسر ناحیه را، همانند دهان جوجکان نوزاد، به جانب کالاها و مصنوعات خود، باز نگاه داشته است و چنان موقع استراتژیک در ناحیه بوجود آورده که زرادخانه هایش، به حساب تعهد های پولی و خریدهای این ناحیه گردش عادی خود را حفظ کند، و تاقون امپریالیستی در خلیج فارس و دریای عمان باقی است، این نظام استثمار مرکب نیز در آنجا پایدار است.

ایران بزرگترین کشور کرانه ای خلیج فارس است، هم از نظر جمعیت، و هم از نظر گستردگی مرزها بر آورد ۱۲۰۰ کیلومتر طول کرانه دریایی ایران، در خلیج فارس می تواند نمایشی از اهمیت این راه آبی منحصر ایران به آبهای آزاد باشد. و ایران است که می تواند و باید رهبری و ابتکار طرفداری امپریالیسم آمریکا را از خلیج فارس عبده دار شود، انگلیس را، اما از کرانه های خوزستان و جنوب بیرون راندیم، و با وجود معاشه رژیم سرنگون شده، ناچار شد خلیج فارس را رها کند، حالا نوبت آنست که با اراده قاطع آمریکا را، از خلیج فارس بیرون بریزیم، و با طرفداری آمریکا از این ناحیه، گریبان مردم کرانه های جنوب خلیج فارس را نیز از چنگ مزدوران و سرسپردگان امپریالیسم، رها سازیم.

برای آگاهی علاقمندان به تفریحات سالم

از تاریخ دهم خرداد ماه جاری هتلهای کوهستانی شمشک و دیزین با پنجاه درصد تخفیف در قیمت اطاق آماده پذیرائی میباشد. علاقمندان میتوانند برای ذخیره اطاق و کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری به خیابان پارك، خیابان بیست و پنجم شماره ۷، مراجعه فرمایند. ۲۹۳۵ الف - ۲

ارتش نباید

بقیه از صفحه ۱
ما در آنجا بگونه ای عمل کردیم که فقط امنیت برقرار شود من معتقدم که برای حفظ انقلاب، حتی المقدور باید از مردم انقلابی و پاسداران استفاده کرد، چون مساکری برای این انقلاب نکردیم. پس حفظ انقلاب را بعهده خود مردم بگذاریم. تیمسار فرید تاکید کرد که ارتش باید برای حفظ امنیت مرزها باشد. ارتش نباید با مردم رودر رو شود.

رئیس ستاد ارتش افزود تصویر فردا مبهم است. کسی نمیتواند چیزی را پیش بینی کند. مطمئن باشید که برگشت به عقب امکان پذیر نیست، بل های هشت سرمایه خراب شده است و توقف نیز حکم مرگ را دارد.

سرلشکر فرید در بخش دیگر سخنرانی اش گفت: امروز ما می خواهیم که ارتش بین مردم باشد و مردم ما را در میان خود جای دهند. امروز ما از تمام اهزاب و روزنامه نگاران و گروه های مختلف مردم دعوت کرده ایم که بیایند و در مورد مسائل گوناگون با هم بحث کنیم. من از آنها حتی در مورد ارتش خلقی و را، باز سازی ارتش سؤال می کنم. رئیس ستاد ارتش در مورد وضع ارتش گفت: هنوز بهار سال نگفته اند که ما غیر متعهد هستیم. این فقط استنباط ماست. هنوز برای ما چیزی از حیاست خارجی دولت روشن نیست. من اینجا فقط بشما هشدار میدهم که ماجزئی از کل هستیم. این جزء باید به کل کمک کند. چوب لای چرخ انقلاب نگذاریم. اجازه بدهیم دولت قدم هایش را بردارد.

تیمسار فرید در مورد خواسته های حقوقی درجه داران گفت که حتماً به این خواسته ها رسیدگی خواهد کرد. و در این مورد با امام خمینی دیدار کرده و مسائلی را در مورد باز سازی ارتش و رسیدگی به خواسته ها مطرح کرده است و امام دستوراتی داده اند. در جلسه دیروز یکی از درجه داران سؤال کرد، حالا نظامی ها را بجرم کشتن مردم محاکمه میکنند، اکنون هم شما ما را به گنبد یا نرده و یا خرمشهر می فرستید. چه تضمینی وجود دارد که فردا ما متهم محاکمات دیگری نباشیم. آیاما حق داریم در مورد این تصمیم ها سؤال کنیم؟ رئیس ستاد ارتش پاسخ داد: موقعیت الان با گذشته فرق میکند، اینک شما در جهت خواست اکثریت مردم پیش می روید. تصمیم دولتی را که منتهی ملت است، اجرا می کنید.

گفتگو با تیمسار فرید

تیمسار فرید در یک تماس تلفنی با پیغام امروز خیر اعزام ۵۰۰۰ تکاور به خرمشهر و نیز بهار دهکده ها توسط هلی کوپتر را، که وسیله خبر گزارهای خارجی مخا بره شده تکذیب کرد. وی افزود: ارتش متعلق به ملت ایران و زیر فرمان دولت جمهوری اسلامی است و دولت هر وقت بخواهد ارتش در اختیار اوست.

هزاران متخصص

بقیه از صفحه ۱
اعلام کرد. وی همچنین به گروهی از روحانیون که مردم را به ترک خویشی دعوت کرده اند، حمله کرده و آنها را فاجر و فاسد خواند.

بیانیه آل شیر خاقانی از سوی دیگر، دیروز شب محمد طاهر آل شیر خاقانی با صدور بیانیه ای خواستار مجازات مسبین حادثه خونین خرمشهر شد. متن اعلامیه چنین است:

با اشاره به صفحه اول روزنامه بامداد مورخ ۱۶/۳/۵۸ تحت عنوان جابجایی نیروهای عراق در مرز ایران طبیعی است که می داند به اطلاع عموم برساند. ۱- اینجانب کمیته ای نداشتند ندارم تا اعضای آن بخوانند کمکی دریافت نمایند و هموار خواهان انحلال کمیته های غیر مسئول بوده ام. ۲- اینجانب همواره تمام مساعی خود را در جهت صلح و نظم عمومی تحت لوای جمهوری اسلامی میبذول داشته می دارم. ۳- مسبین حادثه خونین خرمشهر میبایست به مجازات شرعی برسد.

بنابراین مطالب مندرج خبر فوق که به نقل از رادیو ایران درج گردیده قویا تکذیب و از دولت خواستار مجازات قانونی ناشر اکاذیب فوق می باشم.

تظاهرات دیروز خرمشهر

آخرین خبر - دیروز، حدود سه هزار نفر از مردم خرمشهر برای اعتراض به اقدامات مقامات دولتی در ظرف چند روز گذشته در خیابانهای خرمشهر دست تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان شعارها پلاکاردهائی برای حمایت خواست حق خودمختاری عراق ایران با خود حمل میکردند. در این تظاهرات هیچکس بر خوردی روی نداد.

جنرال موتورز

بقیه از صفحه ۱
شرکت را در ایران در اختیار داشت باشد. قرار است دولت ایران نفر نمایندگی برای هیئت مدیره و نفری شرکت انتخاب و معرفی کند. این شرکت که وابسته به کمپانی جنرال موتورز آمریکاست در ایران اتومبیل سواری، وانت و وسائط نقلیه تولید میکند پس از مدتی تعطیل، چند هفته قبل از لو آغاز بکار نمود. ۷۰۰۰ وسائط یدکی و قطعات نیمه ساخته شرکت که چند ماهی در بنادر معطل مانده بود دیروز در تحویل کارخانه هوام شد.

راه، که وسیله خبر گزارهای خارجی مخا بره شده تکذیب کرد. وی افزود: ارتش متعلق به ملت ایران و زیر فرمان دولت جمهوری اسلامی است و دولت هر وقت بخواهد ارتش در اختیار اوست.